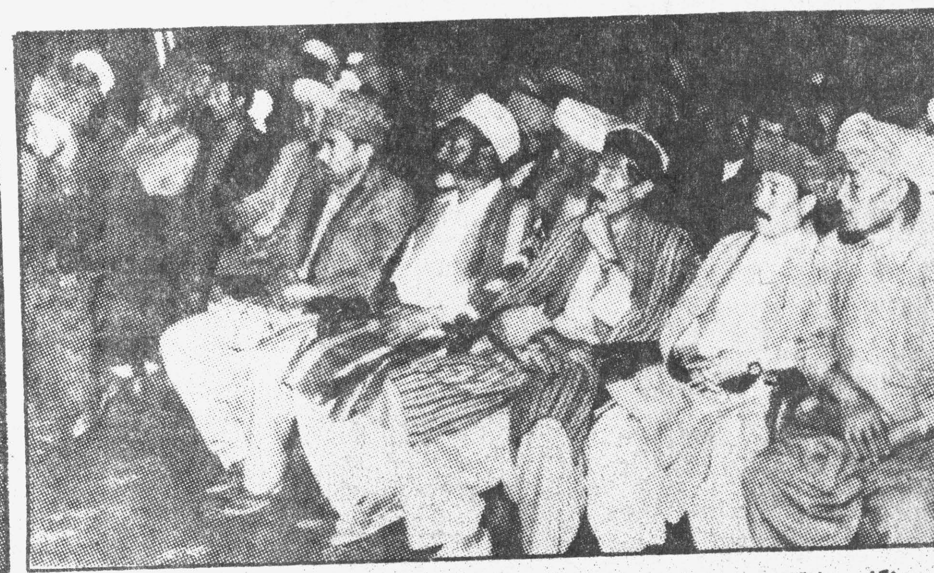
نمبر اختصاصی به مناسبت
روز خارندوی
پنجشنبه ۸ میزان ۱۳۶۷
Sept. 29, 1988
سال نهم شماره (۲۵)
شماره مسلسل ۲۱۷۸
سال تاسیس ۱۳۵۹

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

اشتراک رفیق نجیب الله در جرگهٔ مردم هزارهٔ شهر کابل



هنگام ملاقات



عکاسی باختر

رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس جمهور افغانستان عصر دیروز در جرگه مردم هزاره مربوط نواحی یازده گانه شهر کابل که در قصر دلکشا ریاست جمهوری تدویر یافته بود اشتراک ورزیدند.

در آغاز جرگه چند آیت از کلام الله مجید قرائت گردیده متعاقبا شیخ محمد حسن رضوانی، وکیل محمد قاسم، بریدجنرال خادم حسین، ملنگ نور غلام حسن ارزگانی وحاجی محمد جان دهقان نماینده‌گان وموسفیدان اهالی مناطق هزاره نشین شهر کابل به نماینده گی از اشتراک کننده‌گان صحبت نموده و ضمن پشتیبانی از مشی مصالحه ملی هر گونه آماده گی مردم مناطق هزاره نشین شهر کابل را بخاطر تحقق مشی مصالحه ملی وتامین صلح در شهر کابل ابراز کردند.

همچنان آنان مشکلات محیطی شان را مطرح نموده وبه رفیق نجیب الله تعهد سپردند که در راه تامین امنیت شهر کابل، تحکیم کمر بندامنیتی ودفع وطرد جنایات مخالفین با ارگان های دولتی همکاری همه جانبه مینمایند.

بعدا رفیق نجیب الله طی صحبتی پیرامون مزایای مشی مصالحه ملی واقدامات صلح‌خواهانه دولت بخاطر قطع جنگ وخونریزی توضیحات داده ودر باره اعمال جنایتکارانه افراطیون وتخطی های صریح پاکستان از موافقتنامه های ژنیو صحبت نمودند.

رفیق نجیب الله طی صحبت شان نقش اتحاد و همبستگی ملیت های مختلف وبا هم برادر افغانستان را جهت تامین آشتی ملی و قطع جنگ وخونریزی برجسته ساخته وآماده‌گی اهالی مناطق هزاره نشین شهر کابل را به خاطر تقویت کمربند امنیتی شهر کابل گام ارزنده وانسانی خواندند.

رفیق نجیب الله بخاطر حل مشکلات وپرابلمهای اهالی مناطق هزاره نشین شهر کابل بمراجع مربوط هدایات لازم دادند

جرگه به دعای تامین صلح، تحقق اهداف مشی مصالحه ملی وخیر وسعادت مردم افغانستان پایان یافت.

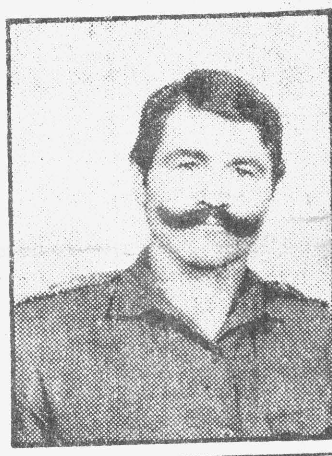


خارندوی در خدمت وطن، مردم وانقلاب

نهم میزان روز خارندوی راگرامی میداریم

آبدیده در کورهٔ داغ نبرد

درباره سلامت شاه قهرمان ج.ا



طیاره با غرش یکنواخت به پیش میرفت، عده ٔ ازسربازان وافسران یکی کنار دیگر نشسته بودند و عده یی هم از کلکینچه های طیاره‌زمین راتماشا میکردند وشماری از سربازان غرق افکار خویشتن بودند، سلامت شاه‌نیز مانند دیگران به کوه ها ودره های سبز و خرم نظاره‌میکرد کسی چه میدانست که او به چه می اندیشد. ناگهان رشته افکارش رایکی از همرزمانش که در کنارش نشسته بود بر هم زد و ازاو پرسید: فعلا در کجا هستیم؟ سلامت شاه. از کلکینچه طیاره دره ها را از نظر گذراند و گفت: هنوز به‌کوه های ((کوفا)) نرسیده ایم شاید چند دقیقه بعد برسیم رفیقش دوباره پرسید: تو به این دره ها و قله ها آشنا هستی؟ سلامت شاه تبسمی کرده و گفت: چرا نی، من در قلب یکی از این دره هازاده شده‌ام وبه هر سنگ وکوه آن آشنایی دارم من در قریه زیبای روشان ولسوالی

(ص ۲)

خارندوی- نیروی رزمنده وپرتوان

بیش از ده سال از مبارزهٔ دشوار ولی پرافتخار خلق کبیر افغان علیه سازمان دهنده‌گان ودست اندر کاران جنگ تحمیلی اعلام ناشده علیه مردم، وطن وانقلاب ثور میگذرد، در این سالها مردم قهرمان افغانستان دوشادوش قوای مسلح کشور به خاطر دفع وطرد و عقیم گذاردن تجاوز بزرگ، نوجوانب وتشدید یابندهٔ امپریالیزم که در کادر جنگ اعلام ناشده‌همین اکنون هم علیه مردم ما ادامه دارد، چنان حماسه‌هایی را آفریده اندکه‌صفحات زرین تاریخ پر شکوه و پرجلال افغان هارا تشکیل میدهد. نیروی بیدار خارندوی در ین پیکارمقدس عادلانه، وظایف ذو جوانبی‌چه در مبارزه مسلحانه رویاروی در مقیاسهای مختلف‌اوپراتیفی، وچه در تامین امنیت مردم، محافظه پروژه‌ها وتاسیسات دولتی، مبارزه با جنایت کاران ...اجراء نموده‌است.

خارندوی کشور دهمین‌سالگرد روز خارندوی راجشن میگیرد و ازینکه خارندوی‌خدمتگزار مردم است، مردم این جشن راجشن خود دانسته‌واز خدمات خارندوی با کلمات سپاس و تحسین‌یادآوری میکنند.

منسوبان خارندوی به‌خاطر‌تحقق اهداف انسان دوستانه و واقعبینانه مصالحه‌ملی واز جمله فراهم آوری زمینه های تامین وانتقال هموطنان عودت کننده به محلات شان، کار های‌زیادی‌را انجام داده‌اند.

یکی از دست آورد های‌عمده دیگر وزارت امور داخله ج.ا، در عرصه تقویت، تحکیم وارتقای‌قابلیت‌محاربوی خارندوی این است که‌خارندوی به چنان قوتی مبدل گردیده که میتواند هم‌مستقلانه و هم در تشریک مساعی بادیگر بخش های‌قوای مسلح و ظایف‌محاربوی را علیه دشمنان پیش ببرد،

اکنون که منسوبان‌خارندوی جوان ورزمنده کشور از دهمین سالگردروز خارندوی باشکوه خاصی تجلیل به عمل می آورند‌ـطمیناً به‌خاطر اجرای‌وظایف آتی که در برابر آنهاقراردارد، در پیشگاه مردم، وطن وانقلاب یك بار دیگر‌تعهد می سپارند که دراجرای این وظایف که عرصه های‌مختلف را در امر دفاع مسلحانه از وطن وانقلاب وتامین امنیت مردم در بر میگیرد، از هیچ گونه تلاش‌وفدا کاری دریغ نخواهند ورزید.

> **خارندوی، زنده گی ونظم اجتماعی، صحت ودارایی مردم رادر برابر حملات جنایتکارانه محافظت نموده واز حقوق مدنی مردم مراقبت بعمل می آورد وکارعظیم رادر رابطه به عرصهٔ خدمات به اهالی انجام میدهد.**
>
> رفیق نجیب الله

پیام حقیقت

به مبارزان صلح وزنده‌گی

گر میروی به‌کعبه مقصود برهنه پای
باید ز زخم خار مغیلان نکردباك

تلاطم امواج زنده گیدر فراخنای بیکرانه تاریخ‌انسان شوری دارد و شرری نیز، زنده‌گی نوعروس تازه به‌حجله رفتهٔ نیست که همواره بر بستر از قبل هموار شده‌ومخملین خود غرق در آرزو هایش به خواب رود. زیبایی نغمه دریا، حاصل سر به سنگ زدن امواج است. شورزنده گی در تلاش و تپش بی پایان انسان برای‌بهزیستی وهمزیستی شادمانه خوش است. در فراز و فرود نوسازی و هستی آفرینی تنها بیدار دلان ظلمت‌سوز وهستی ساز، مردانه تا پایان راه میروند.

خارندوی جوان کشورماازقافله بزرگ همین راهیان صلح‌وزنده‌گی‌وساززنده‌گیست. که جشن شان مبارك وتابناکی فردا هایش روشنتر باد و این صدای قلب شاعری مشعل راهش باد.

دل اندرسینه ات آتشفشان باد
حریم مهبط حکم زمان باد
بجز اندر غم انسان نسوزد
خروشش زنده‌یادو جاودان باد

درشهرك خارندوی



خارندویان شجاع به‌خاطر تامین صلح‌و آرامش در کشور، کار و پیکارمینمایند.

در عکس: شاه محمود وخان آغا دو تن از سربازان قطعه منتظره نمبر دوم‌خارندوی شهر کابل.

عکاسی، لطیفی

راه ورودی شهرك خار- ندوی با تکه های سرخ مزین شده و هر سو شعار های گوناگون به مناسبت جشن خارندوی به چشم میخورد. کار گران با بولدوزر ها زمین مقابل بلاك ها را هموار میکردند. معماران تحته های سمنت کاری رابازمی نمودند، سربازان مصروف پاککاری ساحه بودند. کارکنان سیاسی ستیژ و سایر لوازم مراسم جشن را میساختند. همه گان با علاقمندی خاص مصروف کاربودند. ضرب المثل نظامی است: ((عرق وخاك سرباز را زینت می بخشد.)) این مثل در عمل تجسم می یافت.

در شهرك پروژه خارندوی این همه کار های‌ضرب‌بتی و این همه آماده‌گی ها به‌خاطر تجلیل با شکوه از جشن خارندوی با توزیع منازل جدید برای فامیل‌های مستحق افسران، ساتنمنان و سربازان وزارت امور داخله صورت میگیرد. شخصی که از همه‌بیشتر در تلاش کاربود و با چهره گرد آلود اینسو و آنسو می گشت، قوماندان پروژه شهرك خارندوی بود. لحظه چند با قوماندان این پروژه سرخار فن دیپلوم انجنیر علم نیازی صحبت کردم و وی در مورد، چنین معلومات ارایه داشت:

> **وزارت امور داخله ج.ا در نظر دارد تا ۴۸ بلاک رهایشی به‌گنجایش ۲۳۴۸ اپارتمان رااعمار وبه‌مستحقان توزیع نماید.**

پروژه شهرك خارندوی در اواخر سال ۱۳۶۲ به منظور ارج و احترام به قهرمانی های منسوبان خارندوی که در مبارزه به خاطر صلح و آرامی خلق افغانستان از خود نشان داده و دراین راه جام شهادت نوشیده اند به سرمایه مجموعی (۴٫۸) - ملیارد افغانی آغاز به کار کرد.

وزارت امور داخله ج.ا. در نظر دارد تا (۴۸) بلاك رهایشی به گنجایش (۲۳۴۸) اپارتمان‌در این پروژه اعمار و به مستحقین توزیع نماید.

تاکنون در اثر کارو فعالیت خستگی ناپذیر منسوبان سربازان وکارگران این پروژه به تعداد (۷) بلاك‌شامل (۲۲۸) اپارتمان عصری‌دارای سیستم های‌مدرن تقویه‌برق کانالیزاسیون و آبرسانی اعمار و به مستحقین توزیع گردیده است.

در پلان پروژه به تعداد بیشتر از ۱۴ تعمیر عام‌المنفعه کلتوری، تعلیمی، تربیتی و تجارتی گنجانیده شده است.

کارگران و منسوبان پروژه شهرك با احساس قوی وطنپرستی و انقلابی به کار های عمرانی خویش پرداخته به مناسبت‌دهمین سالگرد انقلاب ثور وهمچنان دهمین سالگردایجاد خارندوی مردمی کشور تعداد ی ازبلاك های رهایشی را قبل از پلان آماده بهره‌برداری ساخته

(ص ۳)

کیهان انسانهارابا هم نزدیک میسازد

بازدید کیهان نوردان

کیهان نوردان افغان- شوروی وهیات مهمان قبل از ظهر دیروز از تصدی کامبینات خانه سازی بازدید نمودند.

کیهان نوردان افغانی دگروال عبدالاحد مومند، برید جنرال محمد دوران وکیهان نوردان اتحاد شوروی ولادیمیر افاناسیوویچ لیاخوف، اناتولی نیکولای وویچ، بیری‌زاوی در حالیکه شاغلی محمد حکیم کابل شاروال و برید جنرال عبدالفتاح رحیمی‌قوماندان‌قوای هوائی با آنها همراه بودند هنگام ورود به کامبینات‌خانه سازی از طرف رئیس و کارگران آن موسسه با اهدای دسته های گل استقبال‌شدند.

کیهان نوردان بعدا به‌تالار کنفرانسهای کامبینات خانه سازی رفته در میتنگ بزرگ کارگران و منسوبین خانه‌سازی اشتراك نمودند.

در آغاز این میتنگ کابل

(ص ۲)

افتخار به خارندوی نوین این حافظ نظم وامنیت در کشور!

عیادت از مریضان

شاغلی داکتر محمد حسن شرق صدراعظم مراتب تاثر عمیق شانرا نسبت شهادت ومجروح‌شدن عدهٔ از هموطنان معصوم وبیگناه ناشی از فیر راکتهای مخالفین ابرازنمودند.

شاغلی صدراعظم دیروز به‌خاطر عیادت از مجروحین حادثه به شفاخانه جمهوریت رفته ضمن عیادت از آنها از بارگاه خداوند توانا برای ایشان صحت عاجل وبرای مردم افغانستان صلح و آرامی را استدعا نمود.

اهدای خون

کارمندان شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دیروز پانزده هزار سی سی خون شان رابه آنعده از هموطنان ما که پریروز دراثر فیرراکت های مخالفین بر مناطق مسکونی شهر کابل مجروح شده‌اند به‌بانک خون مرکزی اهداء کردند.

سلسله توزیع خون به مجروحین حادثه پریروزی ادامه دارد.

نفرین شده گان، جنایت دیگری را مرتکب شدند

در اثر فیر راکتهای زمین به زمین از طرف گروپ های مخالف، جنگ طلب وآدمکش پریروز در شهر کابل سی و سه تن از هموطنان ماشهیدو یکصدو بیست وهفت تن دیگر مجروح گردیدند.

بر خلاف ادعا های ایالات متحده امریکا ورسانه های گروهی غرب‌که تنهاتاسیسات نظامی افغانستان موردحملات مخالفین قرار میگیرد پریروز بیست وپنج راکت زمین به زمین از طرف گروپ های تروریستی بر مناطق‌مسکونی شهر کابل فیر و در نتیجه آن سی وسه تن از هموطنان بیگناه ملکی شامل اطفال زنان و پیر مردان شهید ویکصدو بیست‌وهفت تن‌دیگر زخمی وتعدادی از منازل مسکونی تخریب گردید.

دلخراش ترین و تکان دهنده ترین حادثه پریروز انفجار راکتی بود که حوالی ساعت شش ونیم شام در مزدحم ترین نقاط شهر در ایستگاه بسهای شهری دهـ افغانان کابل هنگامیکه هموطنان ما راهی منازل شان بودند صورت گرفت. که در اثر آن اجسادمتلاشی شده بیست و شش تن از هموطنان ما در گوشه و کنار جاده پراگنده گردیده یکصدو دوازده تن دیگر مجروح شدند.

ساعت هفت وده دقیقه صبح و از ساعت پنج وده دقیقه الی‌ساعت بیست وپنج دقیقه عصر پریروز راکتهای زمین به زمین بر مناطق مسکونی شهر اصابت کردکه در نتیجه در اثریك فیر در جوار تپه‌سلام سه طفل شهید وسه طفل دیگر مجروح گردیدند. همچنان در اثر اصابت راکت در منزل کمال الدین واقع کلوله پشته سه نفر مجروح و بهمین ترتیب در اثر اصابت راکت در منزل محمد رحیم واقع چهار قلعه وزیر آباد دو زن شدیداً جراحت برداشتند. همچنان در اثر فیر یك راکت در قسمت تپهٔ شهرارا یك‌طفل دوازده ساله مجروح وبالاثر فیر راکت دیگر بر منزل داکتر میر حیدر واقع پروان مینه شش نفر زخمی شدند.

همچنان در اثر اصابت دو فیر راکت در ساحه شیر پور ومیدانهای ورزشی ناحیه نهم چهار تن از هموطنان ما جام شهادت نوشیدند.

بالاثر فیر های راکت پریروز نه عراده موتر وچهار منزل نیز تخریب گردیده‌است.

کیهان انسانها را باهم نزدیک میسازد

بازدید کیهان نوردان

(بقیه صفحه اول)

شاروال کیهان نوردان افغان، شوروی را به‌کارگران‌ومنسوبین کامبینات خانه سازی معرفی نموده.

همچنان کیهان نوردان‌افغان شوروی وهیات مهمان بعد از ظهر دیروز با نماینده‌گان جوانان شهر کابل در خانه علم وفرهنگ ملاقات‌نمودند.

آنها هنگام ورود به‌محوطه خانه علم و فرهنگ اتحادشوروی از طرف رفیق فرید احمد مزدك عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته‌مرکزی‌ح.د.خ.ا. و منشی اول کمیته مرکزی سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان وهیات رهبری‌آن سازمان با اهدای دسته های گل از جانب پیشاهنگان استقبال شدند.

بعداً رفیق فرید احمد مزدك کارتهای عضویت افتخاری سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان را به آنان تفویض نمود

همچنان مدالهای .س.د.ج.ا وتحایفی که از طرف جوانان شهر کابل تهیه شده بودبرای کیهان‌نوردان افغان، شوروی توسط رفیق فرید احمدمزدك اهدا شد.

در مقابل‌ویمپل افتخاری ستیشن میر توسط‌بوگودنیس استیپان فلیپ وویچ نماینده اداره عمومی کیهان‌نوردی اتحاد شوروی به رفیق فرید احمد مزدك اهدا گردید.

کیهان نوردان افغان‌ـ‌شوروی ظهر دیروز با اعضای اکادمی علوم جمهوری افغانستان در قصر ستور وزارت امور خارجه ملاقات نمودند.

در این ملاقات اکادمیسین دکتور عبدالواحد سرابی‌معاون رئیس جمهور، کاندیداکادمیسین دکتور محمود حبیبی رئیس مجلس سنا، عدهٔدیگر از اکادمیسینها، کاندیداکادمیسین پوهنمل گلداد رئیس اکادمی علوم، معاونین واعضای اکادمی علوم‌جمهوری افغانستان وعدهٔ ازدانشمندان محققین کشور اشتراك‌داشتند.

هیات کیهان نوردان‌افغان‌ـ‌شوروی قبل از ظهر دیروز با منسوبین شفاخانه اکادمی علوم طبی قوای‌مسلح جمهوری افغانستان ملاقات بعمل آوردند.

طبق یك خبر دیگر کیهان نوردان پرواز مشترك افغان‌ـ شوروی و اعضای هیات مهمان بعداز ظهر دیروز طی یك کنفرانس مطبوعاتی که در قصر ستور وزارت امور خارجه‌تدویر یافته بود، به پرسشهای ژورنالیستان کشور و برخی از خبر نگاران خارجی‌پاسخ ارائه نمودند. ح.ا.ث باختر

خارندوی در خدمت وطن، مردم وانقلاب

خارندوی: مدافع سرسپردهٔ حاکمیت نوین

خارندوی کشور در سال های انقلاب درتشریك مساعی نزدیك وارگانیك با جزوتام هاوقطعات اردوی قهرمان کشور ونیرو های بیداروزارت امنیت دولتی درامر تامین صلح و سرکوب دشمنان انقلاب، مردم ووطن پر غرور ما، کار نامه هاو حماسه های ماندگاری را آفریده است.

به پاس همین خدمات وفداکاری ها سه قطعه و هشت‌تن از منسوبان خارندوی افتخار لقب قهرمان ج.ا،را بدست آورده اند.

رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، رئیس جمهور افغانستان و قوماندان اعلی‌قوای مسلح کشور‌گفته‌اند: ((امروز هر منسوب خارندوی درهر جائیکه کار میکند ودر هر مقامی که قرار دارد قبل ازهمه نماینده با صلاحیت حاکمیت نوین بوده ومبلغ فعال اندیشه های آن است.))

خارندویان وطن پرست کشور بااین درك از وظیفه‌و مسوولیت های شان، نه‌تنها در مبارزه مسلحانه علیه‌افراطیون مسلح از خود شایسته‌گی و فداکاری نشان میدهند بلکه در اجرای کار های توده یی ـ سیاسی، اجرای وظایف تامینی، تامین امنیت شاهرا هاو پروژه‌های عام المنفعه ودارایی ها ی مردم هم از هیچ گونه تلاش دریغ نمی ورزند. درده سال گذشته خارندوی کشور نه تنها از نظر کمی به نیروی بزرگی مبدل گردیده واین پروسه موفقانه هم ادامه دارد، بلکه از لحاظ کیفی،هم دروضع عالی قرار دارد. قطعات وجزوتامهای اوپراتیفی آن توسعه یافته‌و هم قطعات وجزوتامهای خارندوی دروظایف مستقل امنیتی ومحاربوی علیه افراطیون مسلح کارایی وپیروزی های زیادی رابه دست آورده اند، بیز های تعلیمی و موسسات تحصیلی آن رشد یافته‌و صفوف آن از نظر کادر قوماندانی، کارمندان سیاسی ودیگر رشته هاو مسلك های خارندوی تقویت و تحکیم یافته است.

همین اکنون هزاران پوسته امنیتی خارندوی در سراسر کشور در شرایط دشوار شب وروز وظایف شانرا اجراء میکنند، تا هموطنان ما در صلح وآرامش زنده گی کنند. خارندویان کشور این حرف های رفیق نجیب الله‌را که خطاب به خارندویان گفته اند: ((به شرف ووجدان تان خطاب میکنم، یکجا با حزب‌و همه توانایی را به خاطر آنکه زنده گی مردم‌پاك وعادلانه باشد صرف نمائید از اعمال اشیاطین بزرگ و کوچك که به تسخیر ثروت های بزرگ از مدرك جنگ‌و خون افغانهای زحمتکش تلاش دارند جلوگیری به عمل آورید.)) درنظر داشته وبا تقوای انقلابی واحساس عالی وطنپرستانه در این راه مبارزه میکنند.

اکنون که دهمین سالگرد روزخارندوی راتجلیل مینمائیم بهتر است ولو فشرده‌هم بخشی از کارکرد های خارندوی رابه گونه مثال تنها از نهم میزان سال ۱۳۶۶ ـ الی اکنون به ارزیابی‌بگیریم: درین مدت بر تعداد اعضای ح.د.خ.ا، در صفوف خارندوی ۶۲۳۸ تن افزایش به عمل آمده و به تعداد ۹۶۵۰تن به صفوف سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان در خارندوی جدیداً جذب گردیده اند.

دریکسال گذشته بیش‌از ۱۲۸ بار کارهای داوطلبانه در مقیاس وسیعی از طرف جزو تامها، قطعات و موسسات قوای خارندوی سازمان داده شده که‌ازاین‌مدرك ۳۵۰۵۳۲۵۹افغانی عاید دولت گردیده‌است. همچنان‌از سال گذشته تااکنون ۱۶۲۴ تن‌از منسوبان خارندوی‌که ازسواد بهره نداشتند‌ازکورسهای سواد آموزی فارغ گردیده اند.

به افتخار باید بگویم که از طرف قوای خارندوی همین اکنون ۱۲۸کورس‌سواد آموزي برای محبوسین و۵۵ کورس برای اهالی فعالیت میکند که نتایج پرباری ازآن بدست آمده است.

درین مدت با فامیلهای شهداء و معلولین راه‌انقلاب کمك های زیادی صورت گرفته است.

در قوای خارندوی سی‌و‌یك بلوك و نهصد وپنجاه‌و‌هفت گروه تبلیغی فعالیت داشته و کار شان را موثرانه انجام میدهند. در همین مدت ۳۹۳۰ میتنگ که در آن ۱۲۳.۸۴۸ تن از مردم‌اشتراك کرده اند و عمدتاً به خاطر توضیح اهداف انقلاب، دستاورد های مشی مصالحه ملی حل پرابلم های اهالی ورساندن مساعدتها برای‌آنها ـ بوده تدویر گردیده است،امور دینی ومذهبی در صفوف خارندوی موفقانه ادامه داشته و همین اکنون بیش از۲۷۷ تن ازعلماءامان وعلمای جید به حیث ملا امامان در قوای خارندوی اجرای‌وظیفه میکنند. کار در باره توضیح اهمیت تاریخی وسیاسی موافقتنامه های ژنیو که پیامد منطقی سیاست انسان دوستانه مشی مصالحه‌ملی است، از طرف قوماندانان کارکنان سیاسی و ملاامامان موثرانه در صفوف سربازان ومردم پیش برده میشود. طی ماه های مشی مصالحه ملی با۱۳۳۷۹۹ تن از مردم که بخش اعظم آنرا عودت کننده‌گان تشکیل میدهند کمك های همه جانبه مادی و مالی صورت گرفته ودر انتقال عودت کننده گان به محلات شان مساعدت شده است.

یکی ازوظایف عمده خارندوی تامین امنیت پروژه‌ها است، بنابرآن خارندوی‌بیدار کشور امنیت بیش از ۲۷۰۰ پروژه و تاسیسات اقتصادی کشور را تامین میکند. همین اکنون بیش از ۳۱۴۲۸ تن‌از هموطنان در نیرو های دفاع خودی مصروف اند که درامر اکمال سلاح و تجهیز آنها خارندوی از هیچگونه تلاش دریغ نمی ورزد.

منسوبان خارندوی‌انقلابی کشور بااین تعهد وطنپرستانه که‌در آینده نیز وظایف پرافتخار شانرا دربیشگاه مردم، وطن وانقلاب در جهت تامین صلح‌و امنیت سراسری در کشور وتحقق کامل اهداف مشی مصالحه ملی اجرا خواهند کرد

از دهمین سالگرد روز خارندوی استقبال‌به عمل می آورند واین تعهد بست‌بزرگ و مسوولانه که وظایف سنگینتر را در برابر منسوبان خارندوی کشور قرار میدهد. مطمیناً قوت های خارندوی این وظایف را باسر بلندی، غرور مقدس وبیداری اجراء خواهند کرد.

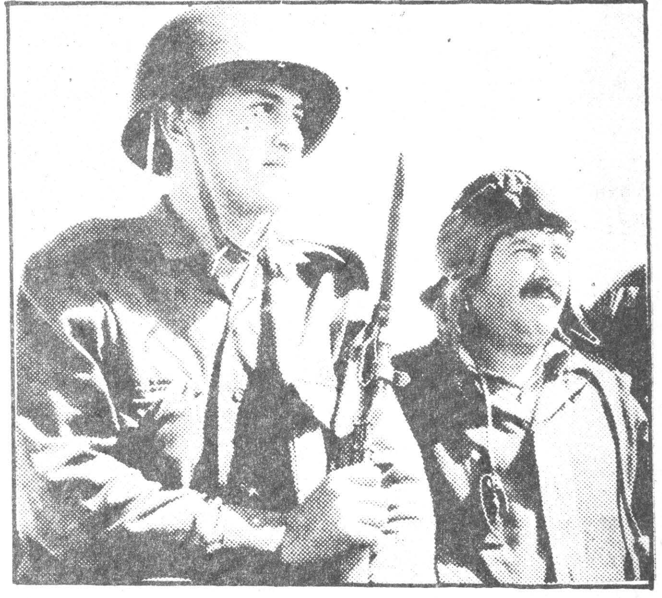
برید جنرال مانوکی منگل
رئیس امور سیاسی وزارت امور داخله ج.ا

● از نهم میزان سال ۱۳۶۶تااکنون از طریق سازمانهای اولیه حزبی قطعات وجزوتامهای خارندوی ۶۲۳۸ تن به صفوف ح.د.خ.ا، و ۹۶۵۰تن به صفوف س.د.ج.ا، معرفی گردیده اند.

● درنتیجه کار های داوطلبانه‌منسوبان خارندوی در یك سال گذشته مبلغ ۳۵۰۵۳۲۵۹ افغانی به دولت عاید گردیده است.

● منسوبان خارندوی طی‌ماه های مصالحه ملی با ۱۳۳۷۹۹ تن از عودت کننده‌گان و مستحقین مساعدتهای مادی‌ومالی نموده‌اند.

● منسوبان خارندوی امنیت‌بیش از ۲۷۰۰ پروژه و تاسیسات اقتصادی کشور را تامین مینمایند.



محمد رفیع و محمد ظاهر دو تن از افسران وسربازان قطعه منتظرهٔ نصیر دوم‌خارندوی شهر کابل.



جریان اموزش لسان در یکی از صنف هایاکادمی خارندوی

عکاسی بابه خان



قوای مسلح رزمندهٔ کشور بخاطر تامین صلح‌و امنیت درشهر ها، روستاها ودهکده ها شجاعانه میرزمند تادیگر افراطیون مسلح‌نتوانند آرامش هموطنان ما را برهم زنند.

عکس: عده یی ازسربازان حوزه هشتم امنیتی خارندوی.

آبدیده در کورهٔ داغ نبرد

سلامت شاه تقریباً در ۹۰۰ فعالیت محاربوی اشتراک کرده است

(بقیه صفحه اول)

شغنان به دنیا آمده ام، بدخشان وطن منست.رفیقش دیگر چیزی نپرسید. سلامت شاه از او جها به تماشای زمین پرداخت، چنان نگاه میکرد، تو گویی کسی‌را در عمق دره ها جستجو میکند.و پس از لحظه یی به رفیقش گفت: به دره کوفا نزدیك میشویم، باشنیدن آن رفیقش از کلکینچه به زمین نگاه کرد و بعد لبان‌خشکیده اش را باز بانش تر کرد. در این اثنا سلامت شاه متوجه او شده و گفت: چرا مگر میترسی؟ او جواب داد: نه، نه! نمیترسم. سلامت شاه گفت: ترسیدی؟ رفیقش پرسید تو نمیترسی؟ سلامت شاه پاسخ داد: چرا ترس‌یك چیز طبیعی است، هر کس میترسد، من هم ترسیده ام اما اکنون نمیترسم، من دو بار خدمت سربازی را انجام داده‌ام واکنون به رتبه ساتنمنی رسیده ام گپ‌من از ترس گذشته است، من تا حالا تقریباً در ۹۰۰ فعالیت محاربوی اشتراك کرده ام.

رفیقش با تعجب تکرار کرد: در ۹۰۰ فعالیت محاربوی، بسیار زیاد است، وباید هم نترسی، همینطور است که نامت ورد زبان افسران و سربازان است، من هم نمی ترسم سلامت شاه گفت: آماده شو که بدره‌کوفارسیدیم لحظه‌یی بعد دروازه طیاره‌باز شد و همه یکی پی دیگر از طیاره به‌سوی زمین پریدند.

دره زیبا باکوه های بلندوچشمه سار ها سخت دلفریب بود. پرسونل قطعه اوپراتیفی بدخشان با استفاده ازاراضی مواضع خود را استحکام بخشیدند و دستور گرفتندکه فردا بردشمنان یورش برند ومردم درهٔ کوفاراازچنگال دشمنان رهایی بخشند.

سربازان وافسران شب را در قلب دره سپری کردند و فردای آن از هر سو برمواضع دشمن یورش بردند وسلامت شاه در کنار سربازان همرزمش از یك موضع به‌موضع دیگر می شتافت وسربازان رابه‌حمله‌تشویق میکرد تاآنکه دشمن دربرابر نیروی آنهااز پادرآمده و عده یی هم‌سلاح و مهمات خود را گذاشتند وپا به فرار نهادند. سلامت شاه به رفیق همرزمش گفت: چطور بود ترسیدی؟ اوگفت: نه، هرگز نترسیدم،اصلا در فکرش نبودم، و وقتی‌آدم به قدسیت راهش عقیده وباور دارد، ترس رافراموش میکند و بردشمن چنان‌یورش می برد که حتی خودش را هم فراموش میکند و فقط به این فکر میباشد که وظیفه اش را پیروزمندانه انجام بدهد واز این میترسد که مبادا از دیگران عقب ماند. سلامت شاه گفت:بلی،همینطوراست..

ماه جوزا سال ۱۳۶۳ بود که به قطعه اوپراتیفی بدخشان وظیفه داده شد تا دشمنان را که زنده گی‌مردم قریه ((ژامارچ بالا)) مربوط ولسوالی شغنان رابرهم زده بودند سرکوب نماید، این بار نیز افراد این قطعه‌که سلامت شاه هم در میان آنان بود در نزدیکی این قریه دیسانت شدند، هنوز صبح بود و آفتاب کم کم در قلب دره روشنی خودرا پخش کرده بود ولحظه به لحظه به آن افزوده میشد، سربازان وافسران پس از لحظه‌ها راهپیمایی به قریه نزدیك شدند تا آنکه قریه را درمحاصره گرفتند و توسط بلندگو ها به دشمنان ابلاغ شدکه تسلیم شوند تا جان به‌سلامت برند ولی دشمن باشلیك مرمی پاسخ گفت: مسلسل ها قلب دره رابه لرزه‌در آورد جنگ شدت گرفت،سلامت شاه در این نبرد بااستفاده‌از مواضع، خود را به مواضع دشمن نزدیك می ساخت و دلیرانه بر دشمن شلیك می کرد، لحظه هایی هم مـی گذشتند و نبرد ساعت هادوام کرد امادشمن دست از مقاومت نکشید. عصر روز بود که ناگهان مرمی دشمن پای‌چپ سلامت شاه را درید، اما او خود را نه باخت ودر آن حالت نیز بردشمن فیر میکردتاآنکه نظر محمد یك تن از سربازانش متوجه گردید وخود رابه او نزدیك ساخت، پایش را محکم بست واز صحنه جنگ بیرونش کرد. اماجنگ تا حوالی دو شب ادامه داشت، دشمنان به‌خاطر بیرون‌کردن اجساد تلاش می ورزیدند تاآنکه توان مقاومت را ازکف دادند وبااستفاده از تاریکی شب پابه فرار نهادند، و مقدار زیادی اسلحه ومهمات وپولهایی را که از اهالی قریه گرفته بودند از خودبجا گذاشتند. فردای آن اهالی به استقبال فرزندان دلیروطن آمدند وآنهارا صمیمانه در آغوش گرفتند، در قریه‌ی ژامارچ پوسته ایجاد گردید ودر فشس پیروزی بر فراز آن به اهتزاز درآمد ولبخند شادمانی بر لبان مردان، زنان، وکودکان قریه‌نقش بست...

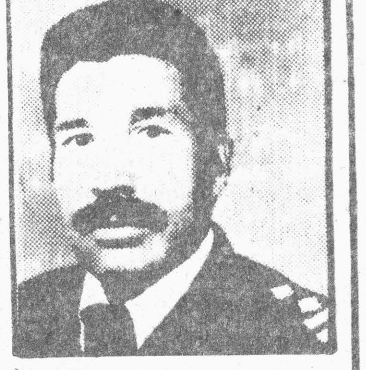
سلامت شاه صحت خود را دوباره یافت وباز هم سلاح بردوش به جنگ اهریمنان رفت این بار عازم‌پکتیاگردید ودر شاهراه گردیز ـ خوست دلیرانه رزمید وحماسه‌آفرید.

دهمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور نزدیك بود، بارفقای همرزمش به‌خاطر اشتراك در این جشن باشکوه رهسپار کابل گردید، هنوز یك دو روزی به این روز فرخنده نمانده بود که‌ازورای امواج رادیو نام خود را شنید که‌به اخذلقب قهرمان ج.ا .نایل گردیده‌است. سخت در بحر خوشی‌ها غرق‌شده بود رفقای همرزمش اورا صمیمانه در آغوش گرفتند واین افتخاررا برایش مبارك باد گفتند. او این خاطره ماندگار را که نامش را بزورق زرین تاریخ وطن جاودانه ساخت هرگز فراموش نمیکند.

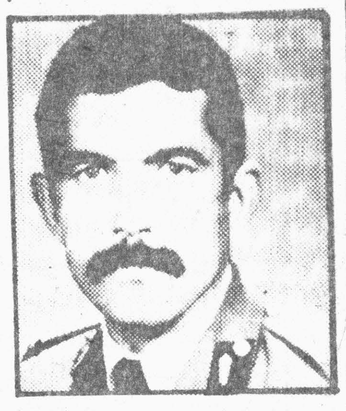
ف . زرکوب

خارندوی در خدمت وطن، مردم و انقلاب

قهرمانان ج.ا.



سر خارمن اختر محمد



خارمن صاحب محمد



خارمن عبدالقادر

سر خارمن اختر محمد :

رفیق اختر محمد در سال ۱۳۲٤ در ولایت کابل در خانواده ولی محمد دهقان چشم به دنیا کشود و بعد از انجام تعلیمات ابتدایی . در اسمار ولایت کنرها به حیث مامور مقرر گردید . بعداً تعلیمات خودرا در اکادمی خارندوی فرا گرفت و در همانجا به حیث عضوتدریسی ایفای وظیفه مینمود . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور به حیث عضو ح.د.خ.ا. در سنگر داغ دفاع از انقلاب قرار گرفت ودر ثور سال ۱۳۶۲ به حیث قوماندان قطعه کوهی خارندوی ولایت کندر ایفای وظیفه نمود .

رفیق اختر محمد به خاطر سرسپرده گی خویش به امر انقلاب به ترفیع فوق العاده نایل آمد و هم مدال «د دیر ښه پوځی خدمت»به‌خاطر مرانیز به دست آورد . رفیق اختر محمد درچهاردهم سنبله سال ۱۳٦٤ در نبرد رویاروی با دشمن افتخار جاودانی را کمایی کرد وبه او لقب‌قهرمان ج.ا. اعطاء گردید .

خارمن صاحب محمد :

رفیق صاحب محمد در ماه میزان سال ۱۳۳۸ در علاقه‌داری باک خاخی میدان ولایت پکتیا در خانواده سید محمد دهقان متولد گردیده و تعلیم ابتدائی خویشرا در لیسه آن علاقه داری به سر رسانیده است . با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور به صفوف اردو پیوست و در لوای چهار زرهدار سر باز شد . بعد از آن درسال ۱۳۵۹ در اکادمی خارندوی شامل گردید وبه تعقیب آن دورۀ تحصیل خویشرا با موفقیت سپری نمود در قطعات مختلف اوپراتیفی خارندوی ولایات کندهار ، فاریاب و بلخ وظایفش را انجام داده‌است.

وی فعلا در قطعۀ اوپراتیفی ولایت فاریاب ایفای وظیفه مینماید . او به اخذ ترفیعات فوق العاده دوهم خارن ، لومړن خارن و خارمن نایل گردیده است درنهم میزان سال ۱۳۶٦ به افتخار سالگرد تجلیل از روز خارندوی به صفت قهرمان ج.ا. مفتخر گردیده است .

خارمن عبدالقادر :

رفیق عبدالقادر در سال ۱۳٤۱ در قریه تنگی ولسوالی گلستان ولایت فراه در یک خانواده دهقان تهی دست چشم به جهان کشود او نسبت مشکلات اقتصادی صرفا توانست تا صنف نهم مکتب تحصیل کند . بعد از پیروزی انقلاب ثور بخاطر دفاع از دستاورد های آن کمر همت بست و از سال ۱۳٦۱ بدینسو در صفوف خارندوی ولسوالی گلستان ولایت فراه وظایف میهنی خویشرااجراء مینماید.

او به خاطر یکه به غرض دفاع از وطن، مردم و انقلاب از خود قهرمانی ها وجانفشانی ها نشان داده است به اخذ ترفیع فوق‌العاده لومړی‌خارنی وبه لقب قهرمان ج.ا. مفتخر گردیده است .

احتجاجیهٔ حکومت جمهوری افغانستان

شارژدافیر سفارت پاکستان در کابل ساعت ۳ بعد از ظهر پریروز ٦/۷/ ۱۳٦۷ در کابل به وزارت امور خارجه احضار ومطالب آتی از طرف معاون مدیریت اول سیاسی به‌موصوف ابلاغ گردید .

مقامات مربوط جمهوری افغانستان اطلاع داده است که بتاریخ ۲٦ سنبله ۱۳٦۷به ساعت ۹٫۵۰ شب یک‌فروند هلیکوپتر قوای هوایی پاکستان جهت اجرای وظیفه مشخص از استقامت گیری داخل خاک افغانستان شد . بعداز یک‌ونیم کیلو متر تجاوز سرحدی در منطقه (لکروسر) مربوط علاقه داری مروره به مدت ٦ دقیقه نشست را اجراء وبه ساعت ۹٫۵۷شب واپس داخل خاک پاکستان گردیده‌است .

حکومت جمهوری افغانستان این عمل قوای هوایی پاکستان را تخطی صریح از مفردات موافقتنامه های ژنیو دانسته و شدیداً نسبت به این موضوع به‌حکومت پاکستان احتجاج مینماید. علاوه میگردد که مقامات پاکستانی بااخطار شارژدافیر سفارت افغانی دراسلام‌آباد اظهار داشته اند که گویاچهار طیاره افغانی به تاریخ ۲٦ سپتمبر ۱۹۸۸ در حریم‌فضایی پاکستان در منطقه خرلاچی واقع کرم ایجنسی داخل وبا پرتاب نمودن بمب‌تلفات جانی ومالی رابجا گذاشته‌است در حالیکه پس از تحقیق و بررسی همه جانبه معلوم گردید که طیارات افغانی هیچگونه تخطی ایرا بر حریم فضایی پاکستان انجام نداده و ادعای پاکستان جز افتراء چیز دیگری نبوده‌است.

حکومت جمهوری افغانستان در حالیکه با دقت کامل در تطبیق مفردات موافقتنامه های ژنیو تلاش مینماید وخواهان تنظیم مناسبات سالم و حسن همجواری میان دو کشور همسایه میباشد انتظار دارد تامقامات مسوول پاکستانی نیز مکلفیت های خویش رادر قبال حسن نیت جمهوری افغانستان درک نموده واز افترا آت واتهام بستن که نتیجه یی به جز از خرابی وضع بار نخواهد آورد جداً خود داری نماید .

در غیر آن عواقب ناگوار مساله بدوش مقامات پاکستانی خواهد بود .

همچنان شارژدافیر سفارت پاکستان در کابل به‌ساعت ٤٫۳۰ بعداز ظهر دیروز ۷ میزان ۱۳٦۷ به وزارت امور خارجه احضار ومطالب آتی از طرف معاون مدیریت اول سیاسی به موصوف ابلاغ گردید .

مقامات امنیتی جمهوری افغانستان اطلاع داده است که بتاریخ ٦ میزان ۱۳٦۷ به ساعت ٤٫۳۸ بعدازظهر دو بال طیاره جت پاکستانی‌به سرعت ۷۰۰ کیلو متر از استقامت کوه شلمان در ۲٤ کیلو متری که داخل خاک افغانستان شده و به مدت ۳ دقیقه بالای مناطق شلمان و دکه ولایت‌ننگرهار پروازاکتشافی را اجرا و دو باره داخل خاک پاکستان گردیده‌است .

حکومت جمهوری افغانستان این عمل قوای هوایی پاکستان را تجاوز آشکار بر حریم فضایی جمهوری افغانستان وتخطی صریح از مفردات موافقتنامه های ژنیو دانسته و شدیداً نسبت به این موضوع به حکومت پاکستان احتجاج مینماید .

در حالیکه حکومت‌جمهوری افغانستان‌خود را مکلف به تطبیق مفاد موافقتنامه های ژنیو و همه قوانین بین‌المللی میداند از مقامات پاکستانی انتظار دارد که به تخطی های خویش از مفردات موافقتنامه های ژنیو خاتمه بخشیده‌وبابرخورد مسوولانه در قبال این موافقتنامه هابه خرابی اوضاع نه کوشد در غیر آن مسوولیت عواقب ناگوار اینامر بدوش پاکستان خواهد بود .

یادداشت در مورد تخطی ازموافقتنامه های ژنیو

دفتر رابط وزارت امور خارجه ج.ا. با هیات‌مساعی جمیله ملل متحد در افغانستان وپاکستان اطلاع میدهد که عصر دیروز هشتاد وهفتمین یاد داشت جمهوری افغانستان در مورد تخلفات صریح پاکستان از مفردات موافقتنامه های ژنیو به دفتر آن هیات درکابل تسلیم داده‌شد .

در یاد داشت در مورد فیر راکتها از طرف افراطیون بالای مناطق رهایشی کابل‌و ولایات کشور که همه‌به‌کمک مستقیم پاکستان صورت گرفته وباعث شهادت‌وجراحت ده ها هموطن بیگناه ماگردیده ونیز خسارات هنگفت مالی را بار آورده است . به‌هیات مساعی جمیله ملل متحد معلومات‌ارائه‌ واز هیات تقاضا گردیده تاارسال‌سلاح های مرگبار را از خاک پاکستان به کشور ما که باعث قتل هموطنان بیگناه ما میگردد، بررسی نموده نتیجه را به جانب جمهوری افغانستان و نماینده سرمنشی ملل متحد اطلاع دهند.

هم نبرد وهمسنگر

ساعت یک بعد از ظهرخفاشان سیه دل میخواستند آرامی اطفال و کودکان مردم رااز ایشان بگیرند . و خنده های معصومانه آنانرا خاموش گردانند. مرگ بیافرینند ، دهشت ایجاد کنند وهستی خانواده ها را تاراج نمایند.

خارندویانو مسوولان‌امنیت دولتی ولایت غزنی با احساس مسوولیت خویش دریافتند که افراطیون تدارک چنین حمله را دارند .

بیدرنگ سنگرها قرار گرفتند بسوی سنگر دشمن شتافتند آنها که‌در کمین نشسته بودند. بالای قوای امنیتی شلیک کردند. حملات متقابل شروع شد. هر فیر به فیری و هر مرمی به مرمیی پاسخ میداد. دشمنان از سه طرف حمله ور شدند عده در محاصره افتاد، عده زخمی شد، عده قهرمانانه‌ازسنگردفاع کردند خون وآتش و خاک بهم آمیخته بود .

قوماندان‌عملیات بر گروپ ها فریاد زد .

—های رفقا! مقاومت رااز دست ندهید . احتیاط کنید دشمن در کمین است.

—فهمیدیم رفیق قوماندان ما باوشمن مواجه شده‌ایم، فکرش رانکنید. رفقای ما بالای شان انداخت میکنند.

از میان ندق ندق و غرغر کلاشینکوف و فیر رگبار مسلسل ها صدایی برخاست —او نجاست . از او نجافیر میکنند!

قهرمانی که سرش رابسته کرده بود، لانه دزدان رابه دیگری نشان داد .

—بلی یافتم.

وصدای دلخراش شنیده شد.

—آخ !

—چی شد. چرا، مرمی خوردی؟

—من مرمی خوردم کمکم کن.

—صبر کن حالی میرسم.

مرمی به نثار احمدخارندوی اصابت کرده واو رااز پا در آورد.

—رفیق نثار ؟!... رفیق نثار ؟! در کجا هستی ؟

—ای...این ... جه...هستم رفیق.

— اینه .. پیشت می آیم .

— رفیق ... تو دشمن را زیر آتشش بگی ، مه میرم که نثاره از خطر بر هانم .

رفیق عزیز از امنیت دولتی بسوی نثار شتافت.

درمیان باران مرمی ها عزیز بسوی عزیزش میشتافت، بسوی رفیقش ، بسوی همسنگرش ، که رفاقت و صمیمیت را از سنگر مشترك در یافته بودند.

عزیزنثاررابرداشت و از محاصره دشمن‌بیرون کشید. هنوز کاملا جابجا نشده بود که‌مرمی پر کینه یی را متقبل گشت‌امالنگک لنگان همرزمش رابیرون کشید وازحلقه محاصره خارج شد. توان راه رفتن نداشت، افتاد ودرهمانجاه نقش زمین شد.

نعمت‌الله جوان رشید خارندوی آماده گی گرفت تا عزیز راباخود بیاورد . جسد رفیق عزیز رابردوش‌خود میکشید که مرمی خورد نعمت‌الله‌نیز بر جای ماند. بهمین ترتیب سرباز وزارت امنیت‌دولتی باجسارت ودلیری با استفاده از تاکتیک های محاربوی هم نعمت الله و هم عزیز رابیرون کشید. محاصره دشمن در هم‌شکست.

خارندویان از عقب آنان شتافتند.

رفقای شهید و زخمی‌رااند نقطه مصئون‌تر گذاشتند رفیقی سرنعمت الله ورفیقی هم سر عزیز رابالای زانو هایشان گذاشتند .و هرقدر کوشش‌میکردندسخنان آنان را شنیده نتوانستند.

عزیز که هنوز نفس در سینه و دست در قبضه‌داشت میگفت:

—رفیق شما از خارندوی هستید؟

—بلی من از خارندوی هستم. امر کو رفیق.

—تشکر، فقط میخواهم بارفیق امنیت صحبت کنم.

—بگو رفیق، بگوچی‌میگی.

—مرابحال‌خودم ایلا کنین خواهش میکنم از شا جورم مرمی ها را بگیرین ،تا آخرین مرمی شا جور بطرف دشمن بروین ، من چندمرمی دارم . صحت رفیق نعمت‌الله ونثار چطور است ؟

—خوب استن رفیق، خوب استن.

—اینه شا جوره بگی مرمی زیاد داره ، بیجامصرف نکن.

—میگیرم رفیق ، تشکر از شاجورت ،اینرا چون هستی گرانبهای زنده گی نگاه‌میکنم رفیق شا جورت . شا جوریك قهرمان اس.ای شا جور از شانه به شانه‌یی، از تفنگ به تفنگی واز نسل به نسلی انتقال خواهد یافت.

— این شا جور مرد اس این را میبوسم . حفظ میکنم وبسوی دشمن میروم.

—برو بخیر.

— اینه میرم .

اشک چشمانش را پاک‌کرد سر رفیق عزیزرا آهسته بلند کردودیده های نرگس گونش را روی هم نهاد .

خلیل رومان

در شهرک خارندوی

(بقیه صفحه اول)

انه دراین روزها کما ازجشن خارندوی تجلیل به عمل می آمدیم بخاطر بزرگداشت از این روز تعداد پنجاه ودو اپارتمان برای بهره‌برداری فامیل های شهدا آماده شده است .

اپارتمان ها توسط هیات موظف وزارت امور داخله طی کمیسیونی به مستحقین در جه اول توزیع شده ، کلید های‌آن با سپاس بیکران از فامیل های‌شهدا به آنها توزیع می شود مادر مقابل شهدای گلگون کفن وطن که‌بخاطر آرمانهای پاك صلح وخوشبختی مردم از جان خود گذشته اند سر تعظیم فرود می آوریم‌واین‌تحفه ناچیز رابرای فامیل‌های آنها تقدیم مینمایم .

توزیع عادلانهٔ اپارتمان ها مسا له مهم ودرخور توجه است ، با آنکه توزیع‌اپارتمان ها توسط کمیسیون مخصوص بعد از بررسی دقیق به مستحقان‌صورت میگیرد، می خواهیم‌ازربان خودمستحقان بشنویم که دراین مورد چه نظر دارند . صاحب نور یکی ازباشندگان این پروژه که سابق افسر قطعه داوطلب خوست بود ودر همانجادر اثر انفجار ماین دشمنان انقلاب معلول شده و اکنون متقاعد است . میگوید :

برعلاوه‌آنکه‌توزیع اپارتمان ها به صورت خیلی‌عادلانه صورت میگیرد. فامیل های معلولین و شهدا دراینجا خود را هیچگاه بی سر پرست احساس نکرده‌اند و همیشه از مواد امدادی،امواlمغاز های تجارتی نظامی و غیره مساعدت ها برخوردارانه.

یوسف

اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

اظهارات وزیر امور خارجهٔ ج.ا.

رفیق عبدالوکیل عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ووزیر امور خارجه جمهوری افغانستان به‌خبرنگار تاس گفت:جمهوری افغانستان ازپیشنهاد رفیق‌ادوارد شیوارد نادزی عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی‌و وزیر خارجه اتحاد شوروی در ٤۳ مین اجلاس اسامبله عمومی‌ملل متحد مبنی‌بر اینکه اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد با سر منشی آن سازمان‌جلسه ایرا تشکیل دهند که در آن موضوع‌رعایت موافقتنامه های ژنیو در باره حل اوضاع اطراف افغانستان مورد بحث قرار گیرد کاملا حمایت مینماید .

وزیر خارجه جمهوری افغانستان افزود : من روی موضعگیری اتحاد شوروی در زمینه باوزیر خارجه آنکشور به خصوص آنچه به اوضاع اطراف افغانستان‌ورعایت موافقتنامه های ژنیو ارتباط میگیرد کاملا موافقت دارم.

باختر

در تخطی از موافقتنامه‌های ژنیو مقصر کیست؟

بیانیه صاحبزاده یعقوب‌خان وزیر امور خارجه پاکستان در چهل‌و سومین اجلاس مجمع عمومی ملل‌متحد اکثریت نماینده گان‌شرکت کننده در جلسه رامتعجب ساخت .

وی تلاش ورزید تاازاین تریبیون جهت متهم ساختن جانب دیگری به‌خاطردشواری ها در تطبیق موافقتنامه های ژنیو پیرامون حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان استفاده نماید .

بیانیه یعقوب خان از به اصطلاح ، تعهدات اسلام‌آباد در برابر موافقتنامه‌های ژنیو . حسن نیت واراده پاکستان به رعایت اسنادمذکور مملو بود . وزیر امورخارجه پاکستان‌از اتحاد شوروی رابه خاطر سهمگیری دلیرانه و سازنده آنکشور در عقد موافقتنامه های ژنیو و همچنان سازمان ملل متحد را تحت سرپرستی آن موافقتنامه های یادشده بامضاء رسید مورد حمله قرار داد . [illegible]

رابطه حتی یك کلمه هم‌بەزبان نیاورد تانشان دهد که موج تخطی های بلاوقفه ازموافقتنامه های ژنیو به تقصیر کی آغاز وافراطیون باکمك مستقیم کدام کشور به ترور ودهشت افگنی ابعاد گسترده تر داده وبافیر راکتها و انفجارات مخالفت خود را با موافقتنامه های ژنیو ابراز میدارند .

در عین زمان چنانکه حکومت افغانستان قبلا طور مستند وبا ارائه شواهدعینی ده‌ها بار ناظران ملل متحد را مطلع ساخته است . افراطیون حملات خود رابا‌حمایت کامل ازسوی رژیم پاکستان ادامه میدهد .

رئیس هیات پاکستان در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در حالیکه نتوانست این حقایق را رد نماید درعوض به‌اتهامات بی پایه علیه افغانستان متوسل شد که گویا این کشور به حریم‌فضایی وسرحدات پاکستان تجاوز . [illegible]

بیانیه یعقوب خان با مفکوره اکثریت چشمگیر شرکت کننده گان اجلاس مجمع‌عمومی که در بحث‌عمومی سیاسی شرکت ورزیده اند در مغایرت کامل قرار گرفت . زیرا آنها به پیروی کامل ودقیق‌از تمام مندرجات موافقتنامه های ژنیو به‌حیث نمونه مثالی برای حل سایر منازعات منطقوی تاکید دارند .

دیگو کوردوویز که اخیرا به حیث وزیر امور خارجه اکوادور تعیین شده وتا کنون بکار خود بحیث نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای حل اوضاع اطراف‌افغانستان ادامه میدهد خاطر نشان ساخت . میتوان امیدوار بود پروسه مذاکرات ژنیو که به امضای موافقتنامه های مطلوب منتج شد به گامی‌در راه نفی تلاش بعضی ها جهت حل پرابلمهای جهان‌ازطریق مقابله وعدم اعتماد مبدل گردد.

ورزش

المپیای ۱۹۸۸: نتایج مسابقات

دوش زنان :

در مسابقه ٤۰۰ متری دوش زنان، لیودوف‌کینا از اتحاد شوروی در ۵۲٫۰۱ ثانیه قهرمان المپیا شناخته شد و مدال طلای مسابقات ... متری زنان را یك خانم امریکایی بدست آورد .

پرش بانیزه :

تمام مدال های این مسابقه به سرگی بوبکه و ورزشکار دیگر شوروی تعلق گرفت .

دوش مردان :

در مسابقه ٤۰۰ متری دوش مردان ل.استیول از امریکادر ٤۳٫۸۹ ثانیه برنده‌گردید .

هندبال :

در این مسابقه تیم اتحاد شوروی بر آیسلند وتیم الجزایر بر امریکا پیروز شد .

جودو :

تیم جنوب کوریا بر بلژیک امریکا برسلوینی وهسپانیا بر کولمبیا غالب گردید .

شمشیر بازی :

اتحاد شوروی مدال طلا گرفت .

وزنه برداری :

بن جونسون کانادایی قهرمان حند ... از دهکدۀ المپیا خارج و لقب قهرمانی وی سلب ... و هنگام مسابقه از مواد مخدره استفاده کرده بود .

شعبۀ اطلاعات

پیک دختر

دربزم شعر وموسیقی

تالار بزرگ وبا شکوه کلوپ دوستی افغان ـ شوروی بیش از هروقت دیگر نظم و زیبا ییش رابه چشم بیننده خود میزد ، سیمای پر غرور ملا لی قهرمان حماسه میوند و تصویر مجسمه بزرگ مادر سمبول قهرمانی های جنگ میهنی اتحاد شوروی در کنار هم بسوی افق های پیروزی انسان اشاره ها یی داشت، لحظه انتظارافسران، سا تنمنان وسر بازان خارندوی و شاعران وادب دوستان مهمان زیادطولانی نبود، تعداد زیادی از اشعار رزمی ومیهنی احسا سات درونی شاعران را در ارتباط با جشن دهمین سالگرد خارندوی به نمایش گذاشت، شوری بی پا یان بر بزم شعر وادب حکومت میکرد، نیمه اول محفل بزودی پایان یافت وجفت هنری آشنا وبشهرت رسیده خارندوی نغمه و منگل باجمعی از هنر مندان انسامبل خارندوی روی صحنه آمدند ، چك چك وشور وهیجان ناشی از عطش هنری هنر دوستان گرمی گر فت، سرود نخست را منگل بـا صدای گیرایش آغاز کرد:

((مو سم د گلو دی غو پیږی

اغزی

زمو ز په کلی داود یـــــز ی

اغزی))

هنوز استقبال گرم تماشاچیان پایان نیافته بود کـــه ((نغمه)) با صدای جذاب خود بااین سرود به محفل شورو گرمی بخشید:

معلو میږ ی چې جا نا ن

خپه خپه

را ته ښکاری دا جهـــــان

خپه خپه

ستړی شوی

بزم مو سیقی و نوا ی پـر طنین آهنگها هر چه شـــــور وگر می می یا فت سوا لهادر ذهن شنو نده گان و هـــــوا خواهان صدای سحرانگیزاین جفت هنر ی جان میگر فت سروده های هر دو هنر مند خوب وپر آوازه کشور یــــك احساس زخمی و درون گر فته را قصه میکرد. بار ی اریك بزر گمرد سخن واند یشه باخود در جدال بودم که‌صدای مو سیقی آرام‌گر فت وهنرمند محبوب ((منگل)) در جو ا ب فرمایش یکی‌از شنو نده‌گانش با کلما ت احساس بر انگیزی که به سختی بر زبانش ادامی شد گفت: ((شما از من توقع آهنگهای مست وشورانگیزی دارید اما من درلحظه کـــه بسو ی محفل شما می آمدم خمچه های نارس وگل های امید مادر ی رادیدم که‌بی خبر برادر و پدر سالخورده ام که سالها پیش از میان ما رفتند مغز استخوا نم را به‌دردآورد اما فقط برای اینکه بزم مو-سیقی شما سرد نماند، بـر اندو های‌بی پایانم سنگ گذا شتم و به پیشگا ه شما آمدم ،اگر آهنگها یم شادو گرمی بخش نیست و خنده‌یی بر لبانم نقش نبسته است مرا معذور دارید.))

لحظه طولا نی سکـــو ت بر فضـــای سـا لـــو ن چیره گشت‌ولی آهنگ آمیخته با بغضی در گلوی خفته با ز طنین انداخت.

اله قا صد برو به نزدیارم

صدا کن رفیـــق داغ دارم

مسافر تاشدم حالم بترشد

گریبانم ز آب دیده تر شد

این سرودی که‌ازقلب واحسا-س مردم بر خا سته‌در چنیـن لحظات اندوهگین و دردانگیز شور دیگری داشت منگل بـا این سرود آهنگهایش راپایان بخشید و آهسته چیز ی در گو ش جفت هنر ی‌خود نغمه زمزمه کرد ، واو نیز بلا فا صله با همان صـدای گیرایش که اینك طنین‌دیگری داشت این آهنگ را سرودو بزم مو سیقی پایان‌یافت.



نغمه و منگل زو ج پرآوازهٔ هنر ی و عضو انسا مبـــل مر کزی وزار ت امور داخله ج.ا

وباز منگل به تنها یی این آهنگ را سرود:

خو بو نه مرود د ی‌شوگیر

ونه ستړی شوی

زخمو نه می جوړندی فریاد

ونه ستړی شو ی

رقیب خود وژلو هیڅ راز

رحم ندی کړی

ژوندی چې یمه پاتی گلارونه

شینده بودم که‌میگفت ((در شرق تازیبا یی را دراسارت یاس و نا امیدی در نیا ورند نغمه یی ساخته نمی‌شود.))

ترس‌داشتم‌نغمه و منگل ایـن افسران جوان و ستاره ها ی آسمان نیلگو ن کشور د ر چنین اسار تی‌درنیا مده‌باشند از سایه مرگ در آتش راکت های ظلمت پر ستان شـــب پرست پرپر شده و میسو-ختند ، هنوز درد جانگاه این تراژ یدی غم انگیز ، برمغزم سنگینی میکرد که برایم خبر آوردند که‌برادرت درجبهه‌داغ نبرد زخم بردا شته است این خبر بعد از شهـــادت شش

ستنه ملنگه دی گرم

ویره زه تنگه ئی گرم

پریږده لا لیـه زمـا

لاس دمینی تو به تو به

ش . حسین

دانقلاب شهیدته



په چې داور په لمبو — ددو ز خو نو په کور

دنیمو شپو په زړه کی — یوه سپر غی تار مان

دړ نا گانو قا صد — دغو ته شوو هیلو

دزوړ یدلو او بنکو — دیار یدلی احساس

دانسا نیت په دستور — دخپل ارما ن په او ږو

په نړ یدلی نور تم — هسی ببیباکه ور تلی

...

تاچی د ژو ند په نامه — دمرگ او ژو بلی پر ضـد

دلوی ارمان په لمسه — دعدالت په حکم

له خپلو سرو وینو نه — پدی لو ښ شوی بڼ کـــی

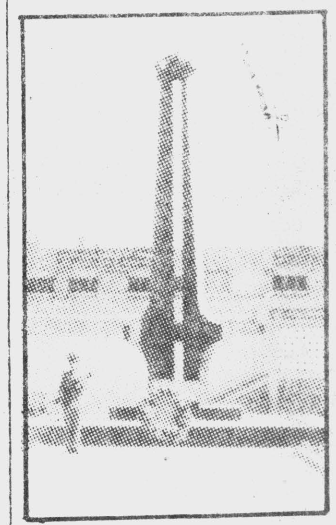
دسرو گلو نو تخم — په خپلو لاسو شینده .

خیر که گلونه نه شـــــول — اوس یی غو ټی وگوره

دادی غوړ یږی پسی — دادی غوړیږی پسی

پدی سپیر و د ښتو کی. — پدی خو ږو دښتو کی

شریفی



دلته ددی خلی په زړه کی

دهیواد ، خلکو او د ثورانقلاب

دلاری داتلو شهیدانو ومیړا نی

،اتلوا لی او ویاړو نوروښانه

دیوه بلیږی ، پیړی پیړی به

تیر ی شی خو دانســـا ن د

نیکمر غی د لاری شهید بـــه

هیڅ چیر ی هیڅکله او لـــه

هیچانه هیر نشی .

حامی صلـــح

طلایی شهر را در خا طرت‌بسپار

همه کود ك ـ همه پیـــرو جوا ن (آد م)

نیاز زنده گا نی را(صلح)

به پیشس قا مت سبـز تومیخوانند

تو یکتا مرد میدانی

صدا ی گر یه میدا نی

که دیگر جنگ این منفــورآتشزا

برا ی هم تن و هم میهنت

تکرار های نحس را ما ند

صدا ی خنده کود ك

نشا ط سبزی بارا ن

نوا ی دلخوش مر غا ن

طلوع شسته خورشید را درخاطر ت بسپار !

که آدم ـ زنده‌گی خواهد

وتو حا می صلح وزنده‌گی‌آدمیا نی

ناهید«بشر دوست»

۵ر۷ر ۱۳۶۷

به استقبال روزخـارندوی

به مناسبت نهم میزان روز خارندوی، شورای زنان ناحیهٔ پنجم دیروز کار های داو ـ طلبانه را در پاك كـــاری و تنظیف دوصد بستر شفاخانه خارندوی براه انداختند . که از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر دوام داشت زنان ضمن‌شرکت در کار های داو طلبانه بـــا اهدای دسته های گـــل از مریضای داخل بستر نیـــز عیادت نموده اند .

در ین کار های داو طلبانه

فلم امشب تلـویزیـون

تلویز یو ن کشـــور ، دربرنامه امشب عـلاوه براخبار، راپور تا ژ، برنامه خا صــ به مناسبت روز خارنــدوی موسیقی خار جی ، فلم هنر ی‌هند ی‌را به نا م «شکتی» به‌نشر میسپارد. درین فلم‌امیتابهچن‌وسیمتا پاتـــل هنر نما یــی کرده اند .

شعبه اطلاعا ت

نخل ها ایستا د ه میمیر ند

هنوز افتا ب غرو ب نکرده بود و اشعه زر ین ان از پس کوه ها نور میپا شید . پوسته برنکت علیا در کنا ر دریا ی کنرها منظره‌دلفر یبی دا شت، او دربر ج تر صد پو ستـــه نشسته بود. شعر ها یش را، سروده ها پیکه برای رزمنده‌گا ن را موطن و انقلاب‌سروده بود زمزمه میکرد ،وگا هی به مو جها ی مست وخروشان دریا مینگر یست وزنده گـــی رفته را در مو جها ی سرکش آن تما شا مینمود ، تلاطم‌دریاو صدا ی مو جها اورا درخو د فرو برد، به گذ شته ها ی‌دور آنروز ها پیکه پدر راازدست داد،دامان پرعطوفت‌مادر ... پرورش گر فت .یگا نه خوا-هر ش که ازیك پا معیو ب‌بود با دستمزد خیا طی اش او را و مادر ش را اعا شه کرد ، تا آنکه شیوه را ه رفتن‌آمو-خت وبه مکتب رفت ، به‌یادش آمد آنرو ز یکه سند فرا غت در دست به‌خانه آمد، مادر و خوا هر ش ازخو شی او را دربر گر فتند . اکنو ن‌درد خانه شان، نان آور فا میـــل میشود ، اما دریغ که سنـــد فراغت د ر دست او کهنه و مچا له شده‌بود ،ازبا م تاشام به این دفتر و آن دفتر سر-میزد ، اما ازکارخبری نبودکه نبود . ثمر ه دوازده سا ل تحصیل او را به پشیـز ی ارزش نمیدادند ، چرا ؟ به‌خا-طرآنکه او عضو حز ب دمو ـ کرا تیك خلق‌افغا نستا نشده بود . شانزد ه سا ل‌دا شت که به حز ب محبو بش پیو سته بود . به ناچا ر پیشه پدر را، کارباب لای زمین راادامه داد تا بتواندزنده گی مادروخواهرش راتا مین کند . مد تی گذشت تاآنکه درسا ل ۱۳۵۶ ، بــه حیث‌ما مور اداری صحت‌عامه کنرها قبو ل شد و پس ازچند زما نی ماموراداری دره‌پیچ گردید . شب و روز اودراند-یشه فقر و بدبختی مردمش میگذشت و به امید آنروزی بود که دیگرزنجیرهای بنده‌گی از هم بگسلد و زنده گی بـــه روی‌همو طنا ن رنجدیده اش لبخند زند ، تا آنکه آنـروز فرا رسید ، سپید ه انقلاب ـ دمید ، سیا هی ها در گور خو یشتن فرو رفتند و آفتا ب انقلاب بر کوی‌و برز ن ودشت ودا ما ن وطن درخشید ن‌گر-فت، و درهما ن آغا ز سلاح بردو ش در دفا ع‌از انقــلاب برخوا ست . نا گها ن رشته افکار ش از هم گسیخت و یك تن از رفقا ی پوسته او را صدا زد :ملنگ! تراچه‌شد ه است ؟باخود حر ف‌میز نی . عبدا لله ملنگ به‌خود آمد و کاغذی را که در آن شعر ی سرود ه بود به جیب گذا شت و از کلکینچه ها ی بر ج‌ترصد چار اطرا فش را نگر یست ، آفتا ب غرو ب کرده‌بود ،همه چیز به اشباح مبدل شد ه بود ، صدا ی دریا بلند تربه گو ش میرسید،لحظه ها پی‌هم میگذ شت‌وعبدا لله ملنگ همچنا ن مصرو ف دید ه با نی بود، ناگاه بیرون پوسته حادثه در حا ل تکو ین بود ،در دل دریا ی خرو شا ن کنر هــا جاله یی در حا ل حر کت‌بود و آهسته آهسته به سو ی پو-



سته نزد یك می شد تاآنکـــه ملنگ متو جه صدا ی پا ها گردید، صدازد: ((څوك یی؟)) اما پاسخی نه شنید ، دوباره صدا زد ،باز هم پا سخی‌نیامد. ملنگ به سر عت‌رفقا ی‌دیگرش راآگا ه ساخت ... پــژوا ك شلیك‌ها آرا مش شب رادرهم شکست ،سا عت ها سپر ی گردید رفقا ی ملنگ درکنارش یکی‌پی‌دیگر جا م‌شهاد ت‌نو ـ شیدند تعداد ی‌ازدشمنا ن نیز به‌خا ك‌و خو ن غلتید ند ،اما صدا ی فیر هاهنوز هم‌خاموش نشد ه‌بود ، ملنگ به تنها یی بادشمنا ن می جنگید ناگها ن متو جه گردید که مر می ها خلا ص شده‌است . تا آنکــه دشمن داخل پو سته گردید. ملنگ‌دراند یشه شد :تسلیم شدن به‌دشمن‌ننگ‌است، نباید به دست دشمن افتم، امـــا زنده‌گی شیرین است، او در مبارز ه مر گ‌و زند ه گی‌قرار داشت ، دو راهی که‌یکی آ ن رابایدبر میگزید ، یا مر گ شرا فتمندا نه ویا اسیردشمن شد ن ، کدا م یك‌را ؟باخود در جدا ل بود تاآنکه چند تن از دشمنا ن به فا صله چند قد می او قرار گر فتنـــد نا گها ن دست به کمر بردو بادندان‌حلقه بمب راکشید و پرتا ب کرد ، صدا ی انفجار پوسته را لرزاند و ملنگ در کنار دیوا ر پو سته به‌جاودانه گان میهن پیوست نام‌و کارنامه ها یش برزبا نها ودفتر تاریخ وطن جاودا نه ماند ، آر ی‌نخل ها ایستاد ه میمیرند،ونخـل سبز حما سه های ابر مردان وطن‌را تند روطو فا ن‌نمیتواند از یادبرآورد .

فضل حق فکرت

درخرابه آباد هنرچه‌دیدم؟

در چا شتگا ه داغی‌بـــه سرا ی هنر رفتم ، هنر مو-سیقی ، تیاتر و سینما ،از جاد ه اسفا لت شده که دراین اواخرگاه وناگاه‌رویش‌راباماشتی آب میشویندبه سو ی کوچه‌یی دور خورده م و چند قد می‌پیش از میا ن ده ها مو تر فعا ل و غیر فعا ل و به سینه‌افتیده وبه پهلو خوابیـده دایــره مر کز گذ شتم،خا کها ی‌سیاه شد ه ورو غنی بزود ی رنگ بوتها یم را عوض کردوبا چه های پطلو نم نیز از این‌خا ك ها ی نرم و تف کرده بی‌بهره نماندند ، این را هیست‌که‌هر روزخوانندهگا ن پرآواز خا-رندوی چون منگل و نغمه ، عبدالله مقری ، یار محمد ، مزا ری نجروی ، فضل‌الرحمن وحد ت ودهها تن دیگر و نیز هنر پیشه ها ی تیا تر وسینما چو ن‌اعظم‌همسفر،معصو م دل کر یم‌تنو یر ، ممنو ن‌مقصودی گل غو تی ،پرو ین نایا ب‌و دیگرا ن از آن میگذرند و به سو ی اتا ق‌های‌تمر ین‌خودره می کشند ، با احتیا ط ازمیان کما نی‌ها و فریم ها وبادی ها ی‌ازکار افتاد ه مو ترها گذ شتم تا خود را به محل‌کار انسا مبل هنری وزار ت‌ا مو ر داخله برسا نم ، هنو ز به تعمیر گرد زده و از حا ل‌رفته کار هنر ... ان‌این‌بخش نرسیده بودم که جوی بزرگی با آب غلیظ و قیر گو نش پرده‌ها ی مشا مم رانوا زش داد ،میگو-یند این جو ی شیر است اما آبش سیاه‌است ، این جوی بعد از آنکه ازدریا ی کا بل نزد یك پل لرزا نك جـــدا میگردد ، نخست همه‌کثافا ت هو تل‌ها و مو سسا ت‌ومناز ل شخصی را از سر را ه باخود بردا شته تا نزد یك شفاخانه انتا نی گاه گا ه رو یش را بدیگـــرا ن نشا ن مید هـد از پــل کـــو چکی پینه شده ازآهن چاد ر ها ی ازکار رفته به سختی وبا احتیا ط گذشتم ووارد زینه ها ی‌چوبی ((کو تی))شد م که عمـــر تعمیر و سا ل رنگ ورو ...

یا فتن آن شاید به یاد حتـی یك نسل پیش ازما نیز نبود، این ((قصر)) کو چك‌کەروزـ گا ری گلستا ن فلم در آن به آفر ینش ها ی سینما یـــی میپیر داخت و مد ت طولا نی دیگرخرا به یی بیش نبود بر با لای همین جو ی مو قعیت یا فته واکنون محل کا رانسا-مبل هنری وزار ت امو رداخله است ، وارداتا ق کو چکـــی میشو م که طو لش از قبریك آد م معمو لی طو لا نی تـــر نیســـت ، و د ر یـك‌الماری دیـــواری بی در و دروا زه تعداد ی‌ازدیپلوم ها ی‌افتخاری تحسین نا مه ها و تقد یرنامه های حا صل کار هنری هنر ـ مندا ن این بخش از پس‌پرد ه ضخیم خا ك به سختی‌چهره مینمایانده . اینجا اتا ق کا ر محمد اسما عیل رهبرانسامبل هنر یاست ، هنو ز لحظه یی بروی چو کی ها ی‌از حا ل‌رفته اتا ق قرارنگرفته‌ا یم که‌آواز-خوانا ن ونوازنده‌گا ن مر بوط انسا مبل که همه افســر و سربا ز خارندو ی‌اند یك یك دربرابر م صف میکشند ،پتیار میگوید ما هنر مندا ن‌خو ب هنر مو سیقی‌داریم که شهرت ملی کسب کرده‌اند، محتوی کار ما بیشتر جنبه ها ی‌رزمی و میهنی دا شته و سرود ه ها ی‌دارا ی محتوا ی عا لـی انسا نی رابرا ی کار‌خود بر-میگزینیم . تشویق‌های مقا ـ مات‌وزار ت محر ك خو ب کار ماست. اما زنده‌گی ودشوار-یهای ما را نیز ازیاد نبرید جای کار مناسب ، وسایـــل و آلات مو سیقـــی شر قـی و غربی در اختیـــار مـــا نیست سرو صدا ی مو ترها، کثافات محیط اطـراف مـا ، کمبود اتا قها و تعفن این‌جوی اعتنی زنده گی هنری ما رابه هم زده است ، بگذریم ازآنکه ...

یعنی ما رو شن نیست .در همـین جا در همین شرا یط سرود ((ای ښکا ری آشنا ته سـلا م گو م» و «هلته زمو ږ وږو نه مری دلته زموږوږونـه مری)) به‌صدای‌گیرا ی منگل ـ جا ن گر فته ،ویار محمد نیز درهمین خرابه آباد هنر ((یو طرف کوردیاربل طرفمیکده)) «خیبری سربازا ن‌دانقلاب سرو سنگرونو نه» و ((دجنگ په‌ضد جنگیږو دسو لی سربازان‌یو)) راتمر ین‌کردومو هستی‌بخشیده است .مزاری نجرو ی را در برابر خودمی بینم‌که باصدای گیرایش زمزمه دارد . ((صد سیب سر خاندا ختم دربا م تودلبر یا غفلت است یاخواب که تو بیدا ر نمی شی)) ، و محمد اما ن یوسفی‌خواننده خو ب هزاره گی را می بینم‌که میگوید : من ازخواند نها یم ((وطن یادا به‌قربا ن‌تو جانم))، ((مر غجا ن به رقص آمد در فضا ی آزاد ی))و((ا کنو ن پشتو نو تاجیك‌وهزارمزجان و دل تماما یك براره میه» و نیز ((ازی‌و سو منی‌خوجنگ نمو کنیم))رازیاد دوستدارم، فضل الر حمن و حد ت نیـز مطلع‌آهنگها ی میهنی ورزمی خود را یکا یك برا یم بر ـ میشمارد اما پس هر سخـن شکوه و شکا یت ازوضعیت زنده گی‌خود دارند که‌شنیدنی است .

هنرمندا ن مو سیقی را ترك میکنم ، به اطا ق‌تمثیل میرو م ، این اطا ق کمـی بزرگتر است اما ازدرودیوا رو رنگ وروی الما ری ها یش میپرس ، از همین اطا ق کار فلم های هنر ی «زهـــر»، «کبـــو تر زخمی » ، «عزت» «هود» ، «امید» و آخریـــن آن ، اژد ها ی‌ اعــتیــاد ، ساز ما ن یا فت .نزد یك به سی نما یشنا مه و پیس‌ها ی کوتا ه تلویزیونی ورا د یویی

ازهمین جاپایه تولد گذاشت یاسین خمو ش‌گردانند ه‌بخش تمثیل درمیا ن تعدا د ی از هنرمندا ن افسر وسربا زکه از آمدنم به این‌محیطدر حیرت هستند پشت‌میزکوچك‌و پینه خورده گی اش قرار گرفته از محتو ی و مضمو ن کار هنر ـ مندا ن همکار ش‌سخن‌هادارد، او بر استعداد ممتا ز خـود باوردا شته ، دورنما ی‌شکو-همند کار هنری رابه باو رگر- فته ولی ا زنبود ن و سا یل وامکانا ت ، عد م همکار ی مو ثر اتحاد یه هنر مندا ن، افغا ن فلم ،راد یو تلویزیو ن و سایر نهاد های فر هنگـی کشور شکوه هادارد .میگوید فلم‌ها ی مابه مو قع به‌نما یش گذا شته نمیشودپادا ش ما در قبا ل تهیه وکارگردا نی فلم هاونمایشها ، از یاد رفته ، هنرمندا نما اغلب به علـت نبود ن‌تشکیل به آیند ه خود اطمینا ن ندارند ، کمیسیونی از اهل مسلك برای ارزیابی فلمها و نما یشها ی‌هنر ی‌مو-جود نیست .ا غلب ذو قها ی شخصی سر نو شت کارما را تعین میکند ، نمایشنامه ها ی «برگهای‌تاریخ»،«مسترنوش»، شاگـــرد مرگ » ، «اور ـ بند» ، «بیگانه» وغیره بدون اقنا ع ما ازنما یش بازماند و کارو تلا ش‌ها بی اثر شد .

خموش میگوید : ما نما ـ یشها ی خودرا یکجا با کندك تبلیغ‌وزار ت امو ردا خله در میا نو لسوا لی هاوولایا ت برده‌ایم وتا ثیر پذ یر ی آنرا از جهت فرو نشاند ن عطش هنری مرد م وهد فمند ی کار تبلیغاتی از این طریق‌مستقیماً احساس کرده ایم. به‌این‌امید هستیم تا روز وروز گـاری دریك محل منا سب به کا ر پر ثمر ی بیشـرا ز آنچه‌دا ریم بپردا زیم وبه عنوا ن یــك نهاد هنری فر هنگی نقش ما-نرا در پرو سه رشد هنر و فرهنگ کشو ر ایفا نما ییم.

بخری

اغلب ذوق‌های شخصی سر نوشت کارما را تعیین میکند

تحت نظر هیات تحریر
مدیر مسوول : م.ح بارق شفیعی

تلفونها
مدیرمسوول : ۶۲۴۷۴ سکرتر مسوول : ۶۲۶۱۴
معاون اول : ۶۱۴۵۸ شعبه نامه ها : ۶۱۷۰۳
شعبه اطلاعات : ۶۱۱۱۹ سوچبورد : ۶۱۹۷۸ توزیع : ۶۲۱۵۹
صندوق پستی : ۷۸۰ حساب بانکی : ۹ ابر ۱۰۱۸
چاپ ویب آفسیت مطبعه دولتی
قیمت یك شماره ۲۰ افغانی